مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸، ص ۳۰-۱۷
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۳۰-۱۷

ارزیابی شرکتهای چندملیتی درحقوق ایران(سرمایه گذاری وحل وفصل اختلافات)

داوود آمدی[1]
[1] دانشگاه آزاد اسلامی،واحد تهران مرکزی

نام نویسنده مسئول:
داوود آمدی

چکیده
شرکتهای چند ملیتی با توجه به داشتن شعبه و انجام فعالیت در قلمروهای متعدد، مدیریت یک پارچه، ساختار پیچیده و پاره ای ویژگیهای خاص،در مفهومی موسع، باب موضوعات و مسائلی را گشوده اند که کمتر یا گاه حتی به هیچ وجه، در خصوص فعالان و شرکتهای داخلی مطرح نمیشود. از این میان، حفاظت از محیط زیست، حقوق کار، مسائل مربوط به مالیات بندی بین المللی، حقوق بشر، مسائل سرمایه گذاری، حقوق رقابت، حقوق مالکیت فکر ی، انتقال تکنولوژی و غیره را میتوان نام برد. با توجه به اهمیت جذب و تشویق سرمایه گذاری در کشور، که وجود قانون جذب سرمایه گذاری خارجی و همچنین سازمان تاسیس شده بر اساس این قانون، بی شائبه و بی شک می توان گفت که سرمایه گذاری خارجی از مهمترین مسائل اقتصادی و حقوقی کشور است. از سوی دیگر تعهدات متقابل دولت و شرکت خارجی تنها از سوی قوانین داخلی مورد بررسی قرار گرفته شده است، و نگاه جامعی که بتواند دستور العمل های اصلی موجود در این زمینه را بررسی نماید پیش از این دیده نشده است. به بیان کاملتر می توان گفت آگاهی ما از این دستور العمل ها ناقص می باشد. بنابراین مقوله شرکت های خارجی و چالش های حضور آنان در ایران بررسی و توجه بیشتری را در حقوق ایران می طلبد در همین راستا نگارنده در این پژوهش تلاش دارد با شفاف سازی قوانین و مقررات موجود و حقوق حاکم بر شرکت های خارجی که می تواند در راستای رفع چالش ها و موانع قانونی کمک کننده باشد و بررسی لایحه جدید قانون تجارت در این زمینه گامی مثبت در جهت حل مسائل و مشکلات موجود در این زمینه بردارد.

واژگان کلیدی: تحلیل حقوقی،شرکت چندملیتی،سرمایه گذاری،حل و فصل اختلافات،حقوق ایران.

.

مقدمه

مبحث اول: سرمایه گذاری در ایران

گفتار اول: سرمایه گذار

به موجب ماده ۱ قانون سرمایه گذاری، سرمایه گذار خارجی چنین تعریف شده است" :اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر ایرانی و یا ایرانی با استفاده از سرمایه با منشاء خارجی، که مجوز سرمایه گذاری موضوع ماده ۶ را اخذ نموده باشند". از آنجا که اصولا غرض از جذب سرمایه گذاری خارجی، جذب سرمایه خارجی است، اینکه سرمایه گذار تابعیت کدام کشور را داشته باشد فاقد اهمیت است، اعم از اینکه شخص حقیقی باشد یا حقوقی، ایرانی باشد یا خارجی[۱].

در خصوص اینکه آیا سرمایه گذار می بایست فرد خصوصی باشد یا خیر، نگاه قانون سال ۱۳۳۴ مبی بر این بود که فرد خارجی نمی تواند سرمایه دولتی را وارد نماید، و در صورتی که فهمیده می شد که سرمایه متعلق به دولت یا سازمان دولتی خاصی می باشد، سرمایه گذار موظف بود تا ظرف مدتی که از سمت هیات رسیدگی تعیین می شود سرمایه خود را از کشور خارج نماید. اما پس از تصویب قانون سال ۱۳۸۰ تلاش طراحان قانون بر این بود که به موجب قانونی جداگانه (ماده ۴)[۲]سرمایه گذاری خارجی از سوی دولت یا دولتهای خارجی پذیرفته شود، البته با این قید که چنین سرمایه هائی خصوص تلقی گردد تا آن که سرمایه های دولتی از مصونیتهای دولتی و دیپلماتیک برخوردار نشوند[۳].

گفتار دوم: سرمایه خارجی

بر اساس ماده ۱ قانون سرمایه گذاری، سرمایه خارجی بدین نحو تعریف شده است: " انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیر نقدی که توسط سرمایه گذار خارجی به کشور وارد میشود و شامل موارد زیر می گردد:

الف- وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تائید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود؛

ب- ماشین الآت و تجهیزات؛

ج- ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی؛

د- حق اختراع، دانش فنی، اسمی و علائم تجاری و خدمات تخصصی؛

ه- سود قابل انتقالِ سرمایه گذار خارجی؛

و- سایر موارد مجاز با تصویب هیات دولت"

آنچه در صدر این ماده توجه را به خود جلب می کند این است که سرمایه ای تحت شمول این قانون قرار می گیرد که "توسط سرمایه گذار خارجی به کشور وارد می شود"، بنابراین در صورت عدم ورود سرمایه مذکور، امکان حمایت قانونی از آن وجود نخواهد داشت، حتی اگر هیات سرمایه گذاری چنین سرمایه گذاری را تصویب و "ورود" سرمایه را مورد پذیرش قرار داده باشد. در ثانی باید دانست که موارد ذکر شده به جهت ورود به ایران، مواردی حصری می باشد و امکان ورود چیزهائی غیر از موارد ذکر شده تنها با تصویب هیات سرمایه گذاری امکان پذیر است.

وجوه نقدی:

وجوه نقدی مذکور ر بند الف بدین معنی است که باید ارز باشد، یعنی پول کشور خارجی باشد و نمی توان تحت عنوان ریال به سرمایه گذاری پرداخت. نکته دیگر اینکه ارز مذکور باید تحت نظام بانکی ایران قابل تبدیل به ریال باشد چرا که اگر قابل تبدیل نباشد، به هنگام خروج سرمایه گذار از ایران امکان بازگرداندن سرمایه و سود وی ممکن نیست. حال تاکید و حصری وجود ندارد که این امکان تبدیل فقط باید از مجرای بانک مرکزی صورت گیرد، حتی بانکهای خصوصی و موسسات مالی نیز جزو عناصر نظام بانکی محسوب می شوند. قابلیت تبدیل به این معنی نیست که سرمایه گذار مجبور است تا تمامی سرمایه خود را به ریال تبدیل نماید، بلکه وی می تواند بخشی از آنرا به انجام خریدهای خارجی و بلا تبدیل قرار دهد.[۴]

ماشین آلات و تجهیزات:

---

[۱] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، چاپ اول، بهنامی، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲

[۲] ماده ۴ قانون سرمایه گذاری: "سرمایه گذاری دولت یا دولتهای خارجی در جمهوری اسلامی ایران حسب مورد منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی می باشد. سرمایه گذاری شرکتهای دولتی خارجی، خصوصی تلقی می گردد".

[۳] آتشی گلستان، مرجان، ص ۲۱

[۴] همان، ص۲۷

از آنجائی که وجود ماشین آلات و تجهیزات به تولید کالا می انجامد و بدلیل اینکه بخاطر سطح بالای تکنولوژی سرمایه گذاران این تکنولوژی و ماشین آلات معمولا در کشور میزبان پیدا نمی شود، قانونگذار ورود این کالاها را به عنوان سرمایه مورد پذیرش قرار داده است. از آنجا که تفاوت قیمت ماشین آلات نو با دسته دوم بسیار چشمگیر است، در هنگام ورد ارزشیابی این موارد تنها با نظر کارشناس گمرک صورت می گیرد.

در خصوص "ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی" نیز موضوع مثل بند قبلی است و تنها تفاوت این بند با بند قبلی در این است که مواد اولیه و کمکی را می توان در صورتی که کشور میزبان پتانسیل آن را داشته باشد از کشور میزبان یافت نمود، اما آوردن آنها در کنار ابزار و قطعات یدکی شاید از این رو بوده است که قانونگذار مایل بوده تا سعی را بر این بگذارد که سرمایه گذار این متریال را نیز حتی المقدور از داخل تهیه نماید.[۵]

بند چهارم موضوعی است که در حقوق ما کمتر بدان پرداخته شده است اما از لحاظ جایگاهی امری است که از بسیار مورد توجه سرمایه گذاران می باشد. از بین این پنج مرود شایدبتوان گفت که مهمترین آن دانش فنی می باشد چرا که بسیاری از مشارکتهای افراد محلی با خارجی بخاطر این امر است.

دانش فنی ترجمه عبارت "ناو هاو"[۶] یک اصطلاح امریکائی است که طبق تعریفی که کمیسیون حمایت بین المللی مالیکت صنعتی اتاق تجارت بین المللی از دانش فنی ارائه داده است، دانش فنی مجموعه از مفاهیم، اطلاعات، و تجربه های حرفه ای و یا تمهیدهای لازم برای ساخت یک محصول می باشد.[۷]به عبارتی می توان گفت این مجموعه در انحصار صاحب تکنولوژی می باشد و بوسیله وی به کار گرفته می شود. این موضوع از سوئی به لحاظ فنی بودن شبیه کمکهای فنی است، ولی از سوئی دیگر درست است که همانند حق اختراع برای صاحب آن ایجاد مالکیت می نماید، اما بر خلاف آن برای جلوگیری از بکار بردن اطلاعات ثبت نشده توسط اشخاص ثالث درای حق قانونی نمی باشد.

خدمات تخصصی نیز بطور عام مربوط به کارهای تکنیکی است و بطور عمده شامل اعزام کارشناسان، دانشمندان، متخصصان، تکنسینها، مشاوران اقتصادی و غیر می باشد. که حیطه کار این افراد معمولا از شروع و تاسیس شرکت و به راه انداختن ماشین آلات و تهیه نقشه آرایش کارخانه و آموزش افراد بومی و ... می باشد.

منظور از سود سهام قابل انتقال سرمایه گذار خارجی در اصل همان سود سرمایه گذاری است اما صورت نگارش آن خواننده را دچار ابهام می نماید. مساله اینجاست که حضور سرمایه گذار لزوما به شرکت حضور در غالب شرکت سهامی عام یا خاص نمی باشد، کلمه سرمایه بهتر منظور را می رساند؛[۸] از اینرو آوردن لفظ سهام قابل انتقاد است و از آنجائی که سرمایه گذار می تواند سود سرمایه گذاری خود را به عنوان سهام مجددا ثبت کند، می توان گفت که منظور از این بند همان "سود سرمایه گذاری است".[۹]

در خصوص بند آخر نیز مساله اصلی اینجاست که تا کنون از زمان تصویب این قانون، هیچ مورد نبوده است که از مجرای این بند به تصویب برسد، و می توان گفت که غرض اصلی در این بند، آوردن لفظ "دولت" در کنار هیات سرمایه گذاری است تا دولت در مقابل مجلس بتواند پاسخگو باشد. اما این بند هنگامی کارائی بیشتری خواهد داشت که پس از تصویب شدن موضوعی به عنوان سرمایه خارجی در از مجرای هیات سرمایه گذاری، تصویب نهائی آن به هیات دولت سپرده شود، چرا که اگر بخواهیم از ابتدا هیات دولت که شامل وزیران می باشد را در گیر نمائیم، مدت زمان طولانی ئی سپری خواهد شد و امر سرمایه گذاری با اطاله روبرو خواهد شد.[۱۰]

گفتار سوم: مقررات و مراکز داخلی مربوط به سرمایه گذاری

اصلی ترین قانون، "قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی"[۱۱] مصوب ۱۳۸۰ و آئین نامه اجرائی آن می باشد که مصوب سال 1391می باشد. اولین قانونی هم که مربوط به حمایت از سرمایه گذاری می باشد، قانون جلب و حمایت سرمیاه های خارجی مصوب آذر ۱۳۳۴ بوده، که آئین نامه اجرائی آن مصوب مهرماه ۱۳۳۵ است.

---

[۵] همان، ص ۲۸

[۶] Know-how

[۷] آیت الهی، بناز، جنبه های حقوقی انتقال تکنولوژی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوص، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۹۹

[۸] لایحه اصلاح قانون تجارت، ماده ۲۴

[۹] آتشی گلستان، مرجان، ص ۳۰

[۱۰] همان، ص ۳۲

[۱۱] Foreign Investment promotion and Protection Act (FIPPA)

در خصوص مراکزی که مربوط به حمایت از سرمایه گذاری می شود، باید گفت که دو مرکزی اصلی وجود دارد، یکی "سازمان سرمایه گذاری و کمکهای فنی و اقتصادی ایران"[۱۲]که مهمترین و اصلی ترین مرکز در این خصوص می باشد، و دیگری سازمان توسعه تجارت ایران. سازمان سرمایه گذاری از سازمانهای وابسته به وزارت اقتصاد و امور دارائی است، که کلیه امور مربوط به جلب، حمایت سرمایه گذاری خارجی، تعیین حداکثر مشارکت خارجی را بر عهده دارد.

می توان گفت که عمده وظایف مربوط به این سازمان به قرار زیر است:

- بررسی و ارائه پیشنهاد در خصوص مسائل مربوط به سرمایه گذاری در کشور
- انجام مطالعه، تحقیق و دادن آمار از روند سرمایه گذاری داخلی و خارجی، بررسی تطبیقی با دیگر نقاط جهان، و بررسی اثرات حاصل از سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی
- شرکت در اجلاسها، هیاتها، جلسه ها، سمینار های اقتصادی و سایر امور مربوط به سرمایه گذاری
- مذاکره، تهیه و تنظیم موافقت نامه های مربوط به تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری با سایر کشور ها
- نظارت بر حسن اجرای انجام موافقت نامه های دو جانبه و چند جانبه
- فراهم نمودن و تسهیل نمودن امکانات تشویق، برای مثال تهیه بروشور و راهنمائی سرمایه گذاران و یا ارائه مشاوره
- بررسی طرحها و پیشنهادهای سرمایه گذاری خارجی در داخل کشور، اجرای آن، نظارت و صدور مجوزهای مربوط به کلیه نقل و انتقالهای سرمایه ای در مرحله ورود و خروج
- بررسی و تصویب قراردادهای انتقال تکنولوژی (کمکهای فنی، مهندسی، علایم تجاری، مشاوره فنی و مدیریت) مربوط به سرمایه گذاری، و پذیرش وتائید آنها به عنوان سرمایه.

باید دانست که سازمان تنها برای سرمایه گذارانی حائز اهمیت است که از مجرای قانونی به انجام سرمایه گذاری پرداخته باشند. مرکز دوم یا سازمان توسعه تجارت ایران، که از سازمانهای وابسته به وزارت بازرگانی می باشد، در راستای توسعه تجارت دارای اهدافی است، که برخی از این اهداف نیز در خصوص سرمایه گذاری خارجی می باشد. این موارد از عمده وظایف آن سازمان می باشد:

- تولید هرگونه نرم افزار به زبان خارجی در جهت معرفی سرمایه گذاری
- حمایت و هدایت سرمایه گذاران خارجی و داخلی به منظور دستیابی به هدفهای توسعه تجارت
- ارائه راههای مناسب به منظور حل اختلافات و داوری
- ارائه اطلاعات در ارتباط با سرمایه گذاری در بنگاههای اقتصادی ایران به شرکتهای خارجی و بالعکس[۱۳]

گفتار چهارم: اخذ مجوز و شرایط سرمایه گذاری

اخذ مجوز سرمایه گذاری تنها راه برخورداری از مزایای قانونی است. درست است که برخی از سرمایه گذاران خارجی، خواه در غالب شخصی و خواه در غالب ایجاد شرکت بطور فردی پیش می روند، اما باید در نظر داشته باشیم برای کشوری همچون ایران که از ریسک تجاری بالائی برخوردار است، برای سرمایه گذاران بهتر است که از این مجرا به انجام کار خود بپردازند. هر چند این امر در خصوص موضوعی چون سرمایه گذاری در سبد اوراق بهادار اجتناب نا پذیر می باشد[۱۴].

بند اول: شرایط پذیرش

شرایط سرمایه گذاری دو دسته است، که باز در سرزمین اصلی و مناطق آزاد تجاری تفاوت پیدا می کند. اما از آنجائی که پرداختن به مناطق آزاد تجاری خارج از حوصله و اهداف این پژوهش می باشد، به کلیات پذیرش می پردازیم که به نوعی مرتبط با شرکتهای چند ملیتی است، و مطالعه آن بخش را به خواننده واگذار می نمائیم.

سرمایه گذاری، فارغ از شکل و نوعش باید دارای چارچوب و شرایط باشد، که از آن به نام شرایط عام سرمایه گذاری یاد می شود، که بر اساس ماده ۲ مقرر شده است که: به منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات بر اساس ضوابط زیر صورت پذیرد:

الف- موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصتهای شغلی و افزایش صادرات شود.

---

[۱۲] Organization for Investment, Economic and Technical Assistance of Iran (O.I.E.T.A.I)

[۱۳] ماده ۵ اساسنامه سازمان توسعه تجارت ایران

[۱۴] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، ص ۵۳

ب- موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اخلال در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه گذاری داخلی نشود.

ج- متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه گذاران خارجی نباشد. منظور از امتیاز حقوق ویژه ای است که سرمایه گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد.

د- سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی....در هر بخش اقتصادی از ۲۵ درصد و در هر رشته از ۳۵ درصد بیشتر نشود.

باید دانست که این ضوابط تنها مربوط به "پذیرش" سرمایه گذاری است، و هیات سرمایه گذاری موظف است تا قبل از شروع سرمایه گذاری این موارد را بررسی نماید، چرا که پس از پذیرش آن و تائید عدم مغایرت مسائل فوق، ادعای خلاف آن پذیرفته نمی شود و در نتیجه نمی توان وی را از حمایت قانونی خارج نمود. و در صورتی هم که اقدامات بعدی سرمایه گذار موجب خسارت فرضا محیط زیستی شده باشد، قوانین و مقررات دیگر حاکم خواهند بود.

اما در خصوص بند اول، اینکه فعالیت سرمایه گذاری "موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصتهای شغلی و افزایش صادرات شود" باید گفت که هدف از وضع این بند هرچه که بوده، جز سختی و دشواری کار برای سرمایه گذار خارجی چیزی بیشتر ندارد، بعلاوه اینکه جمع کردن این موارد بصورت توامان نیز امری بسیار مشکل است. یعنی به ندرت پیش می آید که یک سرماهی گذاری هم موجب رشد اقتصادی شود، هم ارتقاء کیفیت تولیدات را افرایش دهد هم...بعلاوه اینکه لحاظ کردن این بند در جائی که موضوع سرمایه گذاری یک بنگاه موجود می باشد قابل توجیه نیست.

در خصوص بند دوم، اینکه "موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اخلال در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه گذاری داخلی نشود" را می توان به تفکیک مورد بررسی قرار داد.

در خصوص تهدید امنیت ملی، نه این امکان وجود دارد که هیات سرمایه گذاری این موضوع را شخصا پیگیری نماید، و نه این امکان وجود دارد که همه موارد سرمایه گذاری را جهت بررسی به کارشناسان وزارت کشور ارجاع داد، مگر در موارد بسیار نادر که مورد از سودی کارشناسان سازمان سرمایه گذاری به عنوان تهدید دیده شود، که در این موارد موضوع را به وزارت کشور ارجاع خواهند نمود. بنابراین فرض بر این است که هدف از سرمایه گذاری کسب سود است، نه تهدید امنیت ملی.[۱۵]

در خصوص دیگر موارد این بند نیز همینطور است، در این موارد نسبت به سرمایه گذار یا شرکت خارجی همان بررسیهائی اعمال می شود که یک شرکت داخلی. برای مثال، در زمانی که کار و موضوع فعالیت شرکت خارجی با محیط زیست مرتبط است، این شرکت موظف تا همانند شرکت داخلی برای شروع فعالیت خود از سازمان محیط زیست، مجوزهای لازمه را اخذ نماید. این برای مرحله شروع است، بنابراین از این حیث توفیقی میان شرکت داخلی و یک شرکت خارجی وجود ندارد. در خصوص ادامه کار هم مساله بر اساس همان برابری پیش خواهد رفت، یعنی در صورتی که فعالیت پروژه منجر به تخریب محیط زیست گردد، از ادامه فعالیت وی جلوگیری خواهد شد.

ینکه در بند ج عنوان شده است "متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه گذاران خارجی نباشد "را می توان اینگونه بیان کرد که این بند به نحوی ارائه تفسیری از اصول ۸۱ قانون اساسی است[۱۶].

ر بند آخر بیان شده است که "سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی نسبت به بازار داخلی، از درصد مشخصی بیشتر نباشد ."این درصد در بخش های اقتصادی ۲۵ درصد، و در رشته های مختلف اقتصادی ۳۵ درصد مشخص شده است. اگر ما بخش های مختلف اقتصادی را که تحت عناوینی چون بخش صنعت، بخش خدمات، بخش کشاورزی و غیره است را بطور مجزا در نظر بگیریم، سهمی که سرمایه گذار یا شرکت خارجی از آن بخش به خود اختصاص می دهد نمی تواند بیشتر از ۲۵ درصد باشد. اما در خصوص رشته های اقتصادی که درصد ۳۵ ذکر شده است باید گفت که هر بخش اقتصادی دارای زیر مجموعه هائی است، برای مثال بخش خدمات شامل توریسم، خدمات مالی، بیمه و غیره می گیرد. نکته ای که وجود دارد این است که سرمایه گذار نمی تواند بر اساس این ادعا که با در دست گرفتن کل رشته اقتصادی توریسم، سهم بخش خدمات باز هم از ۲۵ درصد افزون نخواهد شد، به در دست گرفتن آن رشته بپردازد .چرا که طبق آنچه این بند بیان داشته است سهم سرمایه گذار در هر رشته هم نباید از 35درصد فزونی یابد. پس هر دو محدودیت بطور همزمان اعمال خواهد شد. با این حال این توضیح بازار داخل را در برمی گیرد و اگر موضوع فعالیت وی صادرات باشد، محدودیتی وجود نخواهد داشت.

---

[۱۵] همان، ص ۵۸

[۱۶] چنانچه امروز هم در صورت مشارکت طرف خارجی در یک شرکت نمی تواند بیشتر از ۴۹ درصد باشد. اما در خصوص موقعیت انحصاری می توان گفت که این ماده تا حدودی به مساله رقابت و حقوق رقابت مربوط می شود، و در صورتی که ما این ماده را با مسائل حقوق رقابت بررسی کنیم صحت آنرا تائید خواهیم نمود. چنانچه در تفسیری که در روزنامه رسمی شماره ۱۶۳۹۲ صفحات ۱۴ تا ۱۶ آمده است، منظور از حقوق ویژه آن است که سرمایه گذار خارجی را نسبت به "سرمایه گذار داخلی "در موقعیت انحصاری قرار دهد. اما از آنجائی که تا کنون موقعیت و امتیاز ویژه ای نسبت به سرمایه گذاران خارجی داده نشده است، موردی هم برای تبعیض وجود نداشته ایم

بند دوم: شرایط عام پذیرش طبق ماده ۳

نحوه دوم پذیرش سرمایه گذاری در ایران شکل مربوط به شکل حقوقی و قالب سرمایه گذاری است. بدین معنی که نه تنها باید شامل شرایط سرمایه گذاری در ماده ۲ می باشد، بلکه برای انجام سرمایه گذاری موظف است که سرمایه گذاری خود را تحت یکی از قالبهای بیان شده ماده ترتیب بندی کند. بر اساس ماده ۳: "سرمایه گذاری خارجی که براساس مفاد این قانون پذیرفته می شوند، از تسهیلات و حمایتهای این قانون برخوردارند. این سرمایه گذاریهای به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند:

الف- سرمایه گذاری مستقیم خارجی در زمینه هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز است.

ب- سرمایه گذاریهای خارجی در کلیه بخشها در چارچوب "مشارکت مدنی"، "بیع متقابل" و "ساخت، بهره برداری و واگذاری" که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفا از عملکرد اقتصاد طرح مورد سرمایه ناشی می شود و متکی به تضمین دولت یا بانکها و یا شرکتهای دولتی نباشد..."

اولین مساله در این ماده این است که این ماده به نوعی تنظیم شده است که محصور بودن اشکال سرمایه گذاری را می رساند، و گرچه این مساله ممکن است در حال حاضر مشکل خاصی را ایجاد ننماید اما با گذشت زمان و گسترده تر شدن اشکال و صورت های سرمایه گذاری این ماده موجب سرعت گیری خواهد بود.

حال تفاوت روش سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم را می توان در این موارد دانست: اولا این گونه سرمایه گذاریها برای تامین منابع مالی است، یعنی در جائی که دولت پول لازم برای انجام یک پروژه را ندارد. دوما اینکه در سرمایه گذاری غیر مستقیم شرکاء برای انجام یک پروژه گرد هم می آیند، و در نتیجه پس از انجام آن مجددا از هم جدا می گردند، در حالی که در سرمایه گذاری مستفیم، امر سرمایه گذاری محدود به یک پروژه خاص نمی باشد. تفاوت دیگری که در این دو بند وجود دارد این است که سرمایه گذاریهای غیر مستقیم بیشتر مربوط به پروژه های بزرگ ملی است و طرف شریک داخلی دولت می باشد، بنابر این امکان انجام اینگونه سرمایه گذاری بطور مستقیم و یا با مشارکت شرکت خصوصی وجود ندارد. حیطه سرمایه گذاری نیز در بخش خصوصی مستقیم آنجائی است که بخش خصوصی اجازه انجام سرمایه گذاری را دارد.[۱۷]

بند سوم: شرایط خاص –ایرانی ها

حال اگر یک ایرانی بخواهد تحت عنوان سرمایه گذاری خارجی در ایران به فعالیت بپردازد تکلیف چیست؟ از آنجائی که هدف این پژوهش بررسی سرمایه گذاری با رویکرد شرکتهای چند ملیتی است، حالت یک ایرانی تنها در صورتی برای ما متصور خواهد بود که تحت قالب یک شرکت خارجی یا شعبه ای از شرکت خارجیِ چند ملیتی بخواهد در ایران به سرمایه گذاری بپردازد.

فرض بر این است که یک ایرانی نمی تواند به سرمایه گذاریِ خارجی بپردازد، مگر اینکه به موجب ماده ۵ آئین نامه ثابت نماید که فعالیت اقتصادی وی خارج از ایران است و ارز وارد شده وی پول حاصله از صادرات وی نمی باشد.

حال وقتی این مرحله سپری شد و سرمایه گذاری وی پذیرفته شد، از این مرحله به بعد هم اصل سرمایهٔ وی تحت پوشش و حمایت قانون ایران خواهد بود و هم سود حاصله از آن.

گفتار پنجم: تضمینات ناشی از اخذ مجوز سرمایه گذاری

به موجب ماده ۸ قانون سرمایه گذاری: "سرمایه گذاریهای خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق، حمایتها و تسهیلاتی که برای سرمایه گذاری داخلی موجود است بطور یکسان برخوردار می باشند." بنابراین همانطور که در این ماده دیده می شود اصل از سوی قانونگذار برابری با همتای ایرانی است. گفتنی است که در صورت ابتدائی تصویب این ماده، عبارتی تحت عنوان حمایتها وجود نداشت و بجای آن از اصطلاح "معافیت ها" استفاده شده بود، اما بدلیل مخالفت برخی نماینده گان مبنی بر اینکه این مساله سرمایه گذار خارجی را نسبت به سرمایه گذار داخلی در موقعیت قوی تری قرار می دهد، این اصطلاح با اصطلاح "حمایت ها" جایگزین شد.

درست است که در ظاهر برای سرمایه گذاران خارجی امتیاز خاص و معافیتی قرار داده نشده است، اما با دقت در برخی قوانین درخواهیم یافت که استثنائاتی نیز به نفع ایشان وجود دارد. از جمله اینکه اگر این سرمایه گذاران در مناطق آزادی تجاری باشند، تا ۱۵ سال نسبت به مالیاتهای مستقیم در معافیت قرار دارند. از جمله موارد دیگر این است که در اداره ثبت شرکتها این امکان برای ایشان وجود دارد که در نام شرکت عبارت خارجی استفاده گردد، در حق الاجاره غرفه های نمایشگاههای بین المللی از تخفیف ۵۰ درصدی برخوردار می شوند. در خصوص صدور پروانه کار نیز وزارت مربوطه تساهل و همکاری بیشتری بخرج می دهد.[۱۸]

تضمین در قبال ملی شدن و سلب مالکیت قانونی

---

[۱۷] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، ص ۶۶

[۱۸] همان، ص ۸۴

از دیگر تضمیناتی که قانون سرمایه گذاری برای خارجیان در نظر گرفته است تضمین در قبال ملی شدن و سلب مالکیت قانونی است. بدین معنی که طبق مقررات بین المللی، گرفتن اموال خارجیان باید بصورت قانونی صورت گیرد. از اینرو برای چنین سلبی دو ضابطه وجود دارد، یکی اینکه برای منفعت عمومی باشد، دوم اینکه بصورت غیر تبعیض آمیز انجام گیرد. [۱۹]این را ماده ۹ قانون سرمایه گذاری بیان نموده است، به موجب این ماده" :سرمایه گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی، به موجب فرایند قانونی، به روش غیر تبعیض آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به ماخذ ارزش واقعی آن سرمایه گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت[۲۰]".

دیگر تضمینات

از دیگر تضمیناتی که می توان برای شرکتهای چند ملیتی یا سرمایه گذار خارجی درنظر گرفت، یکی ماده ۴ آئین نامه می باشد، که بموجب آن: "سرمایه گذاران خارجی از رفتار یکسان با سرمایه گذاران داخلی برخوردارند". که می توان گفت منظور از رفتار حقوق می باشد، و به موجب این ماده، اعمال حقوق نیز در خصوص ایشان به همان نسبتِ سرمایه گذار داخلی خواهد بود .دومین مورد که بند دیگری از همین قانون می باشد در خصوص مجوز است. به موجب آن" :ورود سرمایه نقدی و غیر نقدی خارجی صرفا بر اساس مجوز سرمایه گذاری انجام می گیرد و به مجوز دیگری نیاز ندارد ".این امر موجب راحتی و سهولت بیشتر سرمایه گذار می گردد، به علاوه اینکه این مجوز برای حفظ سرمایه وی در مقابل ملی شدن کافی خواهد بود.

مورد دیگری از تضمین که از ابداعات قانونگذار در سال ۱۳۸۰ می باشد، این است که در ذیل ماده ۲۴ بیان شده است که...: "مفاد این قانون توسط قوانین و مقررات آتی در صورتی لغو یا تغییر می یابد که لغو یا تغییر این قانون در قوانین و مقررات مذکور تصریح شده باشد ." البته مفاد ابتدائی این ماده قبل از اصلاح این بوده که مفاد این قانون تا ۱۰ سال نسبت به سرمایه گذار تغییر نخواهد کرد. این بدین دلیل است که سرمایه گذار بتواند نسبت به سرمایه گذاری خود برنامه ریزی نماید. اما در نهایت علیرغم تلاش نماینده گان مجلس، این ماده بدین دلیل که ایجاد تبعیض نسبت به سرمایه گذاران خارجی تلقی می گردد، با مخالفت شورای نگهبان مواجه گردید و شکل کنونی آن موجود است[۲۱].

مبحث دوم: حل و فصل اختلافات

در صورت بروز اختلاف میان شرکت خارجی و طرف دیگر که می تواند شخص حقیقی، حقوقی و حتی دولت ایران باشد، راههای مختلفی برای حل و فصل آن وجود دارد. ازجمله مذاکره، و مدیریت منازعات. اما متداول ترین حالت رفع اختلاف ارجاع مساله به داوری یا مراجع دادگستری می باشد.

حال چه حل شدن موضوع مورد تنازع از طزیق دادگاه باشد یا داوری با چند نکته و مساله روبرو هستیم. یکی صلاحیت دادگاه (و در خصوص داوری امکان ارجاع به داوری)، دوم در صورتی که طرف مقابل قرارداد دولت ایران یا اموال دولتی باشد، سوم مساله اجرا نمودن حکم خارجی در ایران چه دادگاه صادر کننده حکم خارج از ایران باشد و چه مرجع داوری خارج از ایران باشد. حال هر کدام از سه مورد مذکور را در خصوص دادگاه و داوری بطور جداگانه تشریح می نمائیم.

گفتار اول: حل و فصل اختلافات از طریق قضایی

در ابتدا باید گفت که به دلیل پر هزینه بودن مخارج دادگاه، طولانی شدن دادرسی و همچنین نگرانی طرف خارجی از رعایت عدالت، گزینه رجوع به دادگاه همواره آخرین گزینه خواهد بود.

بند اول: دادگاه صالح و قانون حاکم

الف: دادگاه صالح

در خصوص اینکه آیا شرکت یا اشخاص خارجی می توانند در صورت نیاز به دادگاه مراجعه نمایند یا خیر، همانطور که می دانیم طبق اصول اولیه، تمامی اشخاص خارجی از حقوق مدنی (به جز مواردی که به موجب قانون منع وجود دارد) بهره مند می شوند. مضاف بر اینکه ماده ۵ قانون مدنی کلیه سکنه ایران را اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران شناخته است.

حال برای اینکه بدانیم آیا رسیدگی به موضوعات دادرسی شرکت مورد نظر تحت صلاحیت دادگاه ایران قرار می گیرد یا خیر کافیست ببینیم که آیا شرکت مزبور بر اساس ماده ۲۰ قانون تجارت ثبت شده است یا خیر. در صورت ثبت شرکت بر اساس قانون تجارت، این شرکت دیگر یک شرکت خارجی محسوب نمی شود و تابعیت شرکت به عنوان یک تابعیت ایرانی قلمداد می شود. اما این نکته را نباید دور

---

[۱۹] Sornarajah, M, The International Law of Foreign Investment, Cambridge University Press, 2004, p 395

[۲۰] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، ص ۸۵

[۲۱] همان، ص ۹۰

از ذهن بداریم که نمی توانیم بدین علت که مرکز تجارت شرکت فرعی در صلاحیت قضایی ایران است، علیه شرکت مادر اقامه دعوا نمود. چرا که شخصیت حقوقی این دو شرکت کاملا از هم مجزا می باشد. اما این مساله در خصوص نمایندگی ها و شعبه ها بدین سان نمی باشد. یعنی می توان با تنقیح از ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی امکان طرح هرگونه دعوی در ارتباط با موضوع فعالیت علیه شرکت خارجی در حوزه قضائی شعبه یا نمایندگی که در ایران واقع است، وجود خواهد داشت.[۲۲]

ب: قانون حاکم

در خصوص قانون حاکم بر دعوا باید گفت که دو نوع قانون وجود دارد. یکی قانون حاکم بر تشریفات دعوا، یا همان قانون آیین دادرسی، و دیگری که قانون حاکم بر ماهیت دعوا می باشد. گفتنی است دعوا صرف نظر از اینکه طرفین ایرانی باشند یا خارجی تابع آئین دادرسی ایران می باشد و دادگاه با توجه به قوانین و مقررات ایران قانون حاکم بر ماهیت دعوا را تعیین خواهد کرد.

در تعریف قانون صلاحیتدار یا قانون حاکم بر قرارداد گفته شده است که این قانون، قانونی می باشد که قرارداد توسط آن منعقد می گردد. چراکه امروزه پذیرش آزادی و استقلال اراده طرفین به عنوان اصلی فراگیر پذیرفته شده است، و بنابراین طرفین می توانند در انتخاب قانون حاکم تا حد زیادی بصورت مستقل و مختار عمل نمایند، که در اینصورت این امر می تواند در هنگام بروز اختلاف نیز از ایشان استمداد و گره گشایی نماید. اما پذیرش قانون مورد توافق طرفین بصورت کاملا مطلق نیست و در برخی مواضع با محدودیت روبرو است. برای مثال آزادی اراده طرفین در جائی که با قواعد آمره و منافع عمومی هر کشوری مواجه شود با محدودیت و انسداد روبرو می گردد. از سوی دیگر متفاوت بودن قواعد حل تعارض هر کشور باعث می شود که اجرای این آزادی اراده از کشوری به کشور دیگر با محدودیت یا تفاوت روبرو باشد.[۲۳]

بند دوم: طرف دولتی ایرانی

ماده ۱۹ قانون سرمایه گذاری در خصوص حل و فصل اختلافات سرمایه گذار خارجی با دولت مقرر می دارد: "اختلافات بین دولت و سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاریهای موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه های داخلی مورد رسیدگی قرار می گیرد، مگر آنکه در قانون موافق نامه دو جانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع سرمایه گذار خارجی در مورد شیوه دیگر از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد." چنانچه ملاحظه می شود، به موجب این ماده بیان شده است که تمامی اختلافات، که شامل دعوای سلب مالکیت و ملی شدن نیز می گردد، در صورتی که از طریق مذاکره حل و فصل نگردد از طریق محاکم دادگستری ایران مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. البته باید گفت که این امر در اکثر قوانین سرمایه گذاری خارجی سایر کشورها به این منوال نیست، و رجوع به محاکم قضایی بین المللی و انتخاب قانون کشور ثالث نیز امکان پذیر می باشد. استثنایی که این ماده بیان کرده، یعنی وجود توافق بر شیوه دیگری از حل اختلاف، را می توان همان رجوع به داوری دانست.[۲۴]

بند سوم: اجرای احکام دادگاه خارجی در ایران

گاهی برای سرمایه گذار یا شرکت خارجی بهتر است که حکم خود را در دادگاه ایران تحصیل نموده و مستقیما در ایران اجرا نماید، اما گاهی نیز این امکان برای وی وجود دارد که با تحصیل حکم در خارج از ایران، به نحو بهتری حق خود را احقاق نماید. در خصوص اجرای احکام خارجی در ایران باید گفت که به موجب ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، این امکان فراهم آورده شده ات تا حکم صادره از دادگاههای خارجی در کشور ایران اجرا شود، مگر آن که در موارد خاص قانون ترتیب دیگری را مقرر نموده باشد.[۲۵]بنابر این بر اساس ماده مزبور اجرای احکام خارجی باید بر اساس شرایط ذیل باشد:

- معامله متقابل: این امر از جمله مصداقهای نزاکت بین المللی می باشد، و کشور ایران تنها در صورتی به اجرای حکم کشوری خواهد پرداخت که این امر در آن کشور هم شناسائی و اجرا شود.

- عدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران: می توان گفت که حتی دستور بر پرداخت خسارتی به دلار، و یا پرداخت خسارت تاخیر به دلار نیز خارج از نظم عمومی ایران می باشد، چرا که این امر تحت نظارت بانک مرکزی می باشد و بدون موافقت این مرکز این حکم قابل اجرا نخواهد بود.[۲۶]

---

[۲۲] همان، ص ۳۹۳

[۲۳] همان، ص ۳۹۵

[۲۴] همان، ص ۳۹۷

[۲۵] همان، ص ۳۹۸

[۲۶] همان، ص ۳۹۹

- عدم مخالفت با عهدنامه ها بین المللی یا قوانین مخصوص: حکم صادره نمی تواند در خصوص موضوعی باشد که مغایر با مفاد عهدنامه های بین المللی یا قوانین وضع شده خاص میان کشورها باشد. یعنی در این موارد، بین حقوق دولت و حقوق اشخاص، حق دولت ها مقدم است.

-قطعی و معتبر بودن حکم: از دیگر شرایط قابل اجرا بودن حکم قطعی و لازم الاجرا بودن آن است، همچنین آنکه از اعتبار نیافتاده باشد.

- عدم صدور حکم مخالف از محاکم ایران: در صورتی که در خصوص موضوعی هم حکم خارجی وجود داشته باشد و هم حکم داخلی، در صورت تعارض بین این دو حکم، حکم ایرانی مقدم است و نمی توان حکم خارجی را اجرا نمود.

- دعوی در صلاحیت اختصاصی محاکم ایران نباشد: از جمله مثالهای این مورد ورشکستگی آن دسته از شرکتهای تجاری است که مرکز اصلی آنها در ایران است.

- حکم راجع به اموال غیر منقول در ایران نباشد: این اصل در بیشتر نظامهای حقوقی پذیرفته شده است، و به موجب ماده ۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی، احکام خارجی راجع به اموال غیر منقول واقع در کشور ایران و حقوق متعلق بدانها در کشور ایران قابل اجرا نخواهد بود.

گفتار دوم: حل و فصل اختلافات از طریق داوری

همانطور که بیان شد و اطلاع داریم داوری به عنوان روشی جایگزین در حل اختلافات است که بدلیل غیر قضائی بودن آن تمرکز و تاکید زیادی روی آن صورت می گیرد، و جدای از سرعت آن در رسیدگی، کمتر بودن هزینه آن و انتخاب داور از دیگر مزایای آن است. از آنجا که آشنایی با این نهاد حقوقی و توضیح در خصوص آن خارج از حوصله این پژوهش است، آگاهی در خصوص کلیات آن را مفروض دانسته و در اینجا تنها به بیان نکات کلی داوری و نسبت آن با سرمایه گذار خارجی و یا به بیان کاملتر با شرکت چند ملیتی بسنده می کنیم.

بند اول: ماهیت قوانین داوری

بطور کلی دو دسته قوانین داوری وجود دارد. یکی مجموعه قوانین داوری که تحت شمول باب هفتم قانون آئین دادرسی مدنی است، و در جایی موضوعیت دارد که طرفین داوری تماما ایرانی بوده باشد و عنصری بین المللی در کار نباشد. و از آنجایی که شرکت خارجی جهت فعالیت در ایران تحت قالب یکی از شرکتهای ماده ۲۰ قانون تجارت در می آید و تابعیت ایرانی پیدا می کند، برای یافتن عنصری خارجی در دعوای مطروحه می بایست به مورد غیر از تابعیت شرکت مزبور تمسک جست. از جمله عواملی که باعث می شود عنصری خارجی یا بین المللی در داوری وجود داشته باشد این است که برای مثال مرکز فعالیت طرفین در کشورهای مختلفی باشد، داور منتخب دارای تابعیت خارجی باشد، داوری خارج از کشورهای طرفین یا خارج از کشور یا خارج از کشور یکی از آنان برگزار گردد و خلاصه به گونه ای یک عنصر خارجی در قضیه دخالت نماید.[۲۷]

بند دوم: قانون داوری تجاری بین المللی

این قانون که مصوب سال ۱۳۷۶ می باشد، تا حد قابل ملاحظه ای از قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل (آنسیترال) اقتباس شده، و در پاره از مقررات با شرایط داخلی ایران مطابقت داده شده است.[۲۸]به موجب ماده ۲ این قانون: "داوری اختلافات در روابط تجاری بین المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری، همکاریهای فنی، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت. "

گفتار دوم: طرف دولتی ایرانی

هنگامی که موضوع سرمایه گذاری شرکت یا شخص خارجی طرح های بزرگ ملی می باشد که عمدتا از طریق بیع متقابل یا بی.او.تی صورت می گیرد، معمولا طرف دیگر سرمایه گذاری دولت می باشد. در این خصوص باید گفت در این دعاوی یا اختلافات صورت گرفتن داوری با نکات و مسائل دیگری مواجه است که به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

به موجب اصل ۱۳۹۸ قانون اساسی، در صورتی که موضوع اختلاف اموال عمومی و دولتی باشد، صلح یا ارجاع آن به داوری نیازمند تصویب هیات وزیران است. به موجب این ماده: "صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داور در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در موارد که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند."

گرچه شرکتهای فرعی که خود را در قالب شرکتهای ماده ۲۰ در آورده اند یک شرکت ایرانی محسوب می شوند، اما با این حال نیز صلح و ارجاع به داوری در موضوعات مربوط به ایشان باید به تصویب هیات وزیران و مجلس نیز برسد.

---

[۲۷] صفایی، دکتر سید حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵، صص ۱۱۵-۱۱۷

[۲۸] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، ص ۴۰۶

بند سوم: موافقت نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری در خصوص داوری

چنانچه پیش تر اشاره گردید، اختلافات میان سرمایه گذار خارجی و دولت، چنانچه از طریق مذاکره حل شود، در دادگاههای خارجی مورد رسیدگی قرار می گیرد. همانطور که بیان شد این مساله متن صریح ماده ۱۹ قانون سرمایه گذاری می باشد. اما در ادامه در همان ماده بیان شده است که در خصوص حل و فصل اختلافات موجود میان سرمایه گذار و دولت امکان ارجاع به داوری نیز وجود دارد و آن در زمانی است که به موجب موافقتنامه دو جانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع سرمایه گذار خارجی، در خصوص شیوه دیگری از حل اختلاف توافق شده باشد. این شیوه از حل و فصل همانا شیوه داوری می باشد.[۲۹]

گفتار سوم: اجرای احکام داوری خارجی در ایران

اکثر احکام داوری خودبه خود شناسایی و اجرا می گردند، که به ویژه این مطلب در مورد داوریهای اتاق بازرگانی بین المللی صادق می باشد.[۳۰] اما در صورتی که حکم داوری جنبه داخلی نداشته باشد و محکوم علیه در ایران از اجرای حکم سر باز زند، وضعیت چگونه خواهد بود؟ جواب این است که ایران در سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی معروف به کنوانسیون نیویورک محلق شده است که به موجب آن اجرای احکام داوری خارجی در ایران لازم الرعایه خواهند بود. حال با توجه به اینکه مفاد کنوانسیون فوق در حکم قانون می باشد باید گفت که نسبت به اجرای احکام داوری خارجی باید مفاد این کنوانسیون را ملاک عمل قرار دهیم نه قانون اجرای احکام مدنی.[۳۱]

ماده واحده که مجلس برای الحاق به کنوانسیون فوق مقرر نموده است دارای چند شرط. اول اینکه: "جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصرا در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیر قراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می شوند، اعمال خواهند کرد." آنچه مدلول این شرط است این است که تجاری بودن اختلافات ملاک اصلی برای لحاظ نمودن این قانون و الحاق است، که برای تجاری بودن یا نبودن اختلاف نیز باید فعالیت شرکت را بر اساس ماده ۲ و ۳ قانون تجارت مورد بررسی قرار دهیم. از آنجایی که عملیات تجاری تبعی نیز به موجب ماده ۳ قانون تجارت از جمله معاملات "تجاری" محسوب می گردد، بنابراین قریب به اتفاق احکام صادره داوری خارجی در خصوص اختلافات ناشی از عملیات شرکت خارجی می تواند تحت شمول کنوانسیون نیویورک شناسایی و اجرا گردد.[۳۲] بر اساس شرط دوم: "جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را بر اساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت های عضو کنوانسیون صادر شده باشد." چنانچه مشاهده گردید در اینجا نیز همانند اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران توجه به نزاکت بین المللی در معامله متقابل از شرط های اجرای حکم در ایران می باشد. در حال حاضر ۱۳۵ کشور به این کنوانسیون ملحق شده اند و بر این اساس اشخاص خارجی (اعم از حقیقی و حقوقی) که رای داور را به نفع خود اخذ می نمایند، می توانند تنها با ارائه رای و قرارداد داوری به دادگاه ایرانی، شناسایی و اجرای رای داوری خارجی را از دادگاه ایران خواستار شوند.[۳۳]

---

[۲۹] همان، ص ۴۱۳

[۳۰] پی یر لالیو، مجله حقوقی، اجرای احکام داوری بین امللی، ترجمه سوسن خطاطان، شماره ۱۶-۱۷، ص ۳۰۶

[۳۱] آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، ص ۴۱۸

[۳۲] همان، ص ۴۱۹

[۳۳] شیروی، دکتر عبدالحسین، قراردادهای ساخت، بهره برداری و واگذاری (بی.او.تی)، قم، دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱

نتیجه گیری

نقش بی شائبه و پر اهمیت "سرمایه" و منابع مالی در پیشبرد هرگونه طرح توسعه ای، در کشور های در حال توسعه، "سرمایه گذاری مستقیم خارجی" را به یکی از مهمترین منابع تامین مالی در این کشورها تبدیل کرده است. در این میان، شرکت های چند ملیتی، با برتری بی بدیل اقتصادی خود، برخورداری از شبکه های پیچیده درون سازمانی، گستره فعالیت جهانی، مجهز بودن به فناوری روز، با اهداف سود آوری حداکثری، به اصلی ترین مهره های این عرصه بدل گردیده اند. لیکن علیرغم وجود چنین واقعیاتی در عرصه عمل، ادبیات حقوقی ملهم از تفکرات اندیشمندان و حقوق دانان کشورهای کمتر توسعه یافته، نشان از نوعی تردید در این جوامع نسبت به نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، در توسعه پایدار این کشورها دارد. چنین بی اعتمادی عمدتا ناشی از تاریخ استعماری این کشورها و به دنبال آن ترویج تفکرات نولیبرالی و افراط گرایانه آزادی بازار، در دهه های اخیر، بوده است. در نوشتار حاضر، با اشاراتی مختصر به اختلاف نظرات و زمینه های آن ها در این باب، سعی بر ارایه چهارچوبی توصیفی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، شرکت های چند ملیتی و تعامل حقوقی این دو مبحث جهت زمینه سازی ارایه بحث های ارشادی است. به منظور نیل به چنین مقصودی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، به عنوان مفاهیمی مرتبط و هم بستر نگریسته شده اند. فلذا، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان نهاد و چهارچوبه ای حقوقی و اقتصادی که بستر ساز فعالیت شرکت های چند ملیتی (به عنوان اصلی ترین بازیگر این میدان) می باشد، شناخته شده است. با چنین رویکرد جامعی،این تحقیق، سعی در پوشش شایع ترین تاسیسات حقوقی مورد استفاده در ورود و استقرار سرمایه گذار مستقیم خارجی در حوزه های صلاحیتی حقوقی مختلف دارد. در این راستا، نگاهی تفصیلی به نظام حقوقی ایران که از بسیاری جهات شابهت هایی با گروه بزرگی از کشورهای در حال توسعه دارد، صورت گرفته است؛ کشورهایی که در عمل شاهد اثرات مثبت و منفی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و حضور شرکت های چند ملیتی و حل و فصل اختلافات آنها در کشورشان بوده اند. در عرصه انتزاعی بحثهای ارشادی، مطالعه وسیع سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، در سطوح نظری و عملی پیشنهاد شده است. پس از آن اعمال استانداردهای مشخص به منظور ایجاد تعادلی منطقی میان بایسته های توسعه پایدار از یک سو و گسترش فضایی مناسب جهت جلب نظر سرمایه گذاران مستقیم خارجی از سوی دیگر ارایه گردیده است.

به عنوان پیشنهاد می توان گفت که چه خوب است اگر بتوان قوانین داخلی خود را به نحوی تنظیم نمائیم، که عضویت و پیروی از یکی از این دستور العمل ها، یا بطور خاص دستور العمل OECD 2011 به عنوان پیش شرط ورود شرکت چند ملیتی به کشور ایران در نظر گرفته شود. می توان این مهم را با تصویب یا اصلاح آئین نامه های سازمان تشویق و سرمایه گذاری خارجی ایران به نتیجه رسانید. اگر دولتمردان ما به این مقوله، و اهمیت جایگاه این دستور العمل ها آگاهی یابند، بی شک آنرا سر لوحه امور خود قرار می دهند، چرا که عدم آگاهی ما از ساختار و تاثیرات این شرکتها، و همچنین عدم تجربه تاریخی کافی از حضور و فعالیت این شرکتها در ایران می تواند برای آینده کشور ما خطر آفرین باشد. این در حالی است که حدود ۵۰ سال از تدوین اولین دستور العملی که ناظر بر شرکتهای چند ملیتی می باشد می گذرد، و ما می توانیم حاصل رنج این تجربه را که تدوین آخرین نسخه از آن دستور العمل یعنی OECD 2011 می باشد را مورد بهره برداری قرار دهیم. از سوی دیگر می توان با دقت و پژوهش بیشتر در مباحث این دستورالعمل ها گزیده ای از میان این دستور العمل ها برگزید، و با تلفیق نمودن پاره ای از مسائل حقوق داخلی با آن، به عنوان لایحه ای از سمت کشور خود به سازمان ملل ارائه داد؛ تا بتوان در مرحله بعد از جنبه پیشنهادی بودن این دستور العمل ها عبور کرد و آنرا به عنوان کنوانسیونی بین المللی تصویب نمود. با تحقق یافتن این مساله می توانیم گامی موثرتر در کنترل و مدیریت بهتر این شرکتها برداریم.

لازم به ذکر است که این تحقیق بخاطر پیشرو بودن آن در حیطه مساله قیاس میان دستور العمل ها، کاری نو و بدیع می باشد، از اینرو به مانند سایر موارد که برای اولین بار موضوعی مورد بحث قرار می گیرد، به ناچار اکثر مسائل آن کلی و جامع می باشند. بنابراین جای دارد تا دانشجویان و دانش پژوهان این حوزه از حقوق با مطالعه و پژوهشی عمیق تر رو به زمین های بکر و گسترده آن آورده، و در حاصلخیزی بیش از پیش آن اهتمام ورزند. چرا که با تمام شدن دیر یا زود دوران تحریم در ایران، راه برای حضور انواع این شرکتها در کشور باز خواهد شد، و طبیعی است عدم آگاهی و آمادگی ما می تواند منجر به نتایجی زیانبار و غیر قابل بازگشت شود، در حالی که از سوی دیگر می توانیم با آمادگی و تسلط خود بر این موضوعات، کشور را برای نیل به اقتصادی پویاتر و فعال تر سوق دهیم.

مراجع

۱. کتابهای فارسی

۱. آتشی گلستان، مرجان، شرکتهای خارجی در حقوق ایران، چاپ اول، بهنامی، تهران، ۱۳۸۸

۲. صفایی، دکتر سید حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵

۳. شیروی، دکتر عبدالحسین، قراردادهای ساخت، بهره برداری و واگذاری (بی.او.تی)، قم، دانشگاه تهران پردیس قم، شرکت مهندسی و توسعه نفت ۱۳۸۴

۴. شیروی، دکتر عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱

۵. شیروی، دکتر عبدالحسین، داوری تجاری بین امللی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲

۶. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت: شرکتهای تجاری؛ چاپ دوازدهم، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۸

۲. کتابهای لاتین

1. Anastassopoulos , J. P., G. Blanc and P. Dussauge, State-Owned Multinationals, Wiley/IRM, 1987
2. Dunning, J.H., Multinational Enterprises and the Global Economy, Addison Wesley, 1992
3. Neil Hood and Stephen Young, The Economics of the Multinational Enterprise, Longman 1979.
4. OECD Guidelines for Multinational Enterprises, 2008
5. OECD (2011), OECD Guidelines for Multinational Enterprises, OECD Publishing
6. OECD (2011), Commentaries on OECD Guidelines for Multinational Enterprises, OECD Publishing
7. Rodger, Barry J. and Angus MacCulloch, Competition Law and Policy in the EC and UK, 4th Edition, Routledge-Cavendish, 2009
8. Sornarajah, M, The International Law of Foreign Investment, Cambridge University Press, 2004
9. THE OECD DECLARATION AND DECISIONS ON INTERNATIONAL INVESTMENT AND MULTINATIONAL ENTERPRISES: BASIC TEXTS, OECD Publishing, 2000
10. United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations, Current Studies, Series A (New York: United Nations) United Nations publication sales No. E.86.II.A.15, (ST/CTC/SER.A/4)
11. TRIPARTITE DECLARATION OF PRINCIPLES CONCERNING MULTINATIONAL ENTERPRISES AND SOCIAL POLICY, Fourth Edition, Printed by the International Labour Office, Geneva, Switzerland, 2006
12. Bidgoli, Hossein, Electronic Commerce: Principles and Practice, Academic Press, California, USA 2002.

۳. مقالات فارسی

۱. م. کاظمی، "مشوقهای مالیاتی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی"، نشریه سرمایه گذاری خارجی ایران، پیش ش ۱

۲. پی یر لالیو، مجله حقوقی، اجرای احکام داوری بین امللی، ترجمه سوسن خطاطان، شماره ۱۶-۱۷

۴. مقالات لاتین

1. Fatouros A., Professor Arghyrios, THE OECD GUIDELINES IN A GLOBALISING WORLD, Conference on the OECD Guidelines for Multinational Enterprises organized by the OECD in Budapest on November 16-18, 1998, University of Athens, 1999

2. Brooks, Douglas H. Emma Xiaoqin Fan and Lea R. Sumulong, Foreign Direct Investment in Developing Asia: Trends, Effects, an Likely Issues for the Forthcoming WTO Negotiations, Asian Development Bank, 2003.

۵. پایان نامه ها و جزوات درسی

۱. آیت الهی، بناز، جنبه های حقوقی انتقال تکنولوژی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوص، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴

۲. خاوری، شهرام، بررسی و تحقیق به منظور اصلاح روش های عملیاتی فرآیند شناسی تا وصول مالیات اشخاص حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی، نیمسال اول ۸۴-۱۳۸۳

۳. شفیع زاده، محمد رضا، قیمت گذاری انتقالی در فعالیت شرکت های چند ملیتی، رساله کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۴. خادمان، دکتر محمود، جزوه درس حقوق سرمایه گذاری های خارجی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ۱۳۹۰

۵. خادمان، دکتر محمود، جزوه درس شرکتهای چند ملیتی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران ۱۳۹۰

۶. فرهنگ ها

۱. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی (انگلیسی به فارسی)، نشر البرز، ۱۳۷۱، ج ۲

2. Garner, Bryan A. (editor in chief), Blacks Law Dictionary, 8th Edition, West Publishing Limited, 2004.

۷. منابع الکترونیکی و اینترنتی

1. http://www.oecd.org/corporate/mne/2011update.htm

2. http://oecdwatch.org/oecd-guidelines

3. http://www.oecd-ilibrary.org/governance/oecd-guidelines-for-multinational-enterprises_9789264115415-en

4. http://www.publications.pwc.com/DisplayFile.aspx?Attachmentid=6114&Mailinstanceid=25812

5. http://www.corporatecomplianceinsights.com/category/compliance/greg-husisian-series-on-compliance-strategies-for-multinational-corporations/

6. http://www.americanbar.org/groups/professional_responsibility/committees_commissions/commission_on_multijurisditional_practice/mjp_comm_sal.html

7. http://www.justice.gov/atr/public/speeches/204136.htm

8. http://hasanilaw.blogfa.com/post/383

9. http://www.ilo.org/empent/Publications/WCMS_094386/lang--en/index.htm

10. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1459548
11. http://www.un.org/documents/ga/res/45/a45r186.htm
12. http://www1.umn.edu/humanrts/ataglance/compdftun.html
13. http://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/hilj18&div=22&id=&page=

۸. قوانین

۱. روزنامه رسمی، ش ۱۶۳۹۲، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۰
۲. آیین نامه جلب و حمایت سرمایه خارجی
۳. آیین نامه معاملات متقابل
۴. قانون تجارت
۵. قانون اجرای احکام مدنی
۶. قانون اساسی
۷. قانون آیین دادرسی مدنی
۸. قانون پولی و بانکی کشور
۹. قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی
۱۰. قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی
۱۱. قانون داوری تجاری بین المللی
۱۲. قانون راجع به ثبت شرکتها
۱۳. قانون مالیاتهای مستقیم
۱۴. قانون مدنی
۱۵. کنوانسیون راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع سایر کشورها
۱۶. کنوانسیون نیویورک در خصصو شناسایی و اجرای احکام داوری خارج
۱۷. موافقت نامه تشویق و حمایت از داوری خارجی